

سورة الاحقاف

نقش فطرت در تکوین و تعالی هویت

- لغت «فطرت» که در قرآن آمده است:  
فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم، 30).  
با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.  
«فَطَرَهُنَّ» (انبیاء: 56). «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»  
(انعام: 14 و پنج آیه دیگر). «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ»  
(انفطار: 1) و «مُنْفَطِرٌ بِهِ؛ آسمان از بیم آن روز در هم  
شکافت.» (مزمّل: 18).

• وزن «فِعْلَةٌ» بر نوع - یعنی گونه - دلالت می کند. «جَلْسَةٌ»؛  
یعنی نشستن و «جِلْسَةٌ»؛ یعنی نوع خاصی از نشستن. «جَلَسْتُ  
جِلْسَةً زَيْدٍ»؛ یعنی نشستم به گونه نشستن زید. همان گونه که  
زید می نشیند، نشستم.

• انسان به گونه ای خاص آفریده شده است اگر ما برای انسان  
یک سلسله ویژگی ها در اصل خلقت قایل باشیم، مفهوم فطرت  
را می دهد

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب سفینة البحار از مطرزی که  
از لغویون است، نقل می کند که گفته است فطرت یعنی خلقت.

- «اصل الفطر الشقّ طولاً» (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 640)؛ اصل فطر، جدا شدن از طول است. اما معنای ایجاد و ابداع نیز می دهد؛ چنان که راغب با توجه به این نکته می نویسد: «فطر الله الخلق، هو ایجاد الشیء و ابداعه»
- ابن اثیر نیز می نویسد: «الفطر، الابتدا و الاختراع» (ابن اثیر، 1426ق، ج 3، ص 457)؛ فطر آفرینش نو و پیدایش جدید است.

• در فرهنگ *اقرب الموارد* نیز فطرت چنین معنا شده است:  
«الفطرة هي صفت التي يتصف بها كل مولود في اول زمان خلقته» (الخوری، 1992م، ص 933)؛ فطرت عبارت است از صفتی که هر انسانی در آغاز آفرینش خود به آن متصف می شود.

• واژه «فطرت» در لغت نامه های فارسی به معنای آفرینش، ضمیر، جبلیت، سرشت، ابداع و اختراع و صفتی که هر موجود در آغاز خلقتش داراست، آمده است (دهخدا، 1337، ج 11، ص 17179)

• امام خمینی قدس سره:

• مقصود از فطرت الهی که خدای تعالی مردم را بر آن مفسطور فرموده، حالت و هیئتی است که خلق را بر آن قرار داده که از لوازم وجود آنها و از چیزهایی است که در اصل خلقت، خمیره آنها بر آن مخمر شده است. فطرت الهی از الطافی است که خدای تعالی آن را به انسان اختصاص داده و دیگر موجودات یا اصلاً دارای این گونه فطرت هایی که ذکر می شود نیستند یا ناقص اند و یا بهره کمی از آن دارند.

• آیت الله جوادی آملی:

• فطرت به معنی سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امر فطری یعنی آنچه که نوع آفرینش انسان، اقتضای آن را داشته و مشترك بين همه انسان هاست .

• انسان در هنگام تولد، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است و چنانچه از عقل و شرع تبعیت کند فطرتش شکوفا شده و به فعلیت می رسد

• فطرت، که همان بینش شهودی انسان به هستی و گرایش آگاهانه و کشش شاهدانه و پرستش خاضعانه نسبت به خداوند است، نحوه خاصی از آفرینش است که حقیقت آدمی به آن نحو، سرشته شده و جان انسانی به آن شیوه خلق شده است.



• . علامه طباطبائی:

• فطرت اساس و بنا، نوع و به معنای ایجاد و ابداع می باشد. فطرت بر گونه خاصی از آفرینش دلالت دارد؛ یعنی طبق این فطرت یا آفرینش خاص، انسان به سوی شیوه خاصی از زندگی، با غایتی مشخص، گرایش داشته و به سمت آن هدایت شده است. مراد از این شیوه خاص همان دین الهی است.

## • انواع فطرت

• علامه طباطبائی فطرت را به شرط سلامت، دارای قوه تشخیص دانسته و معتقد است که فطرت می تواند عقاید حقه و اعمال صالح را بشناسد

• وی می گوید: فطرة الله عبارت است از آن که در انسان قرار داده شده تا با آن نیرو ایمان به خدا را تشخیص دهد، که به همین معنا در آیه شریفه «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (زخرف: 87) (و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، قطعاً می گویند: خدا)

- امام خمینی قدس سره :

- فطرتی که با سرشت آدمی عجین شده است و به دست توانای الهی در ذات انسان به ودیعت نهاده شده و با طینت او درآمیخته است، بر دو نوع است: "تنفر از نقص و ناقص، و عشق به کمال و کامل"، که یکی اصلی است و آن "عشق به کمال مطلق" است و دیگر، تبعی است و آن "تنفر از نقص" است؛ گرچه بعضی به این حقیقت توجه ندارند، اما انبیا و علما و اصحاب معرفت مأموریت دارند تا انسان را به وجود این فطرت توجه دهند و نور فطرت آنان را به سوی کمال واقعی متوجه سازند.

- شهید مطهری :
- الف. ادراکی: «فطریات ادراکی» به این معناست که یا دلیل نمی خواهد و بدیهی اولی است و یا از قضایایی است که اگر هم دلیل می خواهد، دلیلش همیشه همراهش هست.
- ب) گرایشی: گرایش ها و خواست های غیراقتسابی انسان را می توان به دو دسته تقسیم کرد: خواست های جسمی و خواست های روحی. منظور از خواست های جسمی، تقاضاهایی است که صد در صد وابسته به جسم باشند؛ مانند غریزه گرسنگی، که يك امر کاملاً مادی و در عین حال غریزی است؛ یعنی ساختمان بدنی انسان و هر حیوانی اقتضا می کند که به محض گرسنه شدن به دنبال غذا برود. اما يك سلسله خواست ها و میل ها هستند که روان شناسان آنها را «امور روحی»، و لذات ناشی از آنها را «لذات روحی» می نامند؛ مثل میل به فرزند داشتن، برتری طلبی و قدرت خواهی.

• آیت الله جوادی آملی :

• فطرت دارای دو بعد بینشی (شناخت بوده‌ها و نبوده‌ها) و گرایش (گرایش به بایدها و نبایدها) دانسته، مقصود از شناخت و گرایش فطری را آن نوع شناخت‌ها و گرایش‌هایی می‌داند که اولاً، اکتسابی نیستند؛ ثانیاً، همگانی و عمومی هستند. ایشان فطرت شناختی آدمی را به دو بخش «تصورات» و «تصدیقات» تقسیم می‌کند. تصدیقات خود بر دو دسته‌اند:

• - تصدیق‌هایی که در اثر شدت وضوح برهان پذیر نیست (اولیات)؛ مانند قضیه امتناع اجتماع یا ارتفاع دو نقیض.

• - تصدیق‌هایی که گرچه برهان پذیرند، لیکن در اثر وضوح نیازی به اقامه برهان بر آن نیست (بدیهیات)؛ مانند: کل از جزء بزرگ‌تر است.

- همچنین ایشان معتقد است: تصور اطراف قضایای فطری نیز می تواند فطری باشد؛ نظیر تصور مفهوم وجود شیء. پس «ادراک فطری» اختصاص به تصدیق ندارد، بلکه تصور نیز می تواند فطری باشد.
- ایشان در جایی دیگر، منظور از فطری بودن بعضی از مفاهیم حصولی و تصدیقات را کسبی نبودن آنها دانسته و می فرماید: ذهن بشر به محض رسیدن به مرحله ادراک، بعضی از مفاهیم را با اندک توجهی می فهمد و در فهم آنها نیازمند به فراگیری نیست. بنابراین، فطری و غیر فطری معادل با بدیهی و غیر بدیهی (کسبی) است.

# اصل سازگاری با فطرت در تربیت

همه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مانند تعیین اهداف، انتخاب روش‌ها، طراحی فضا، تعیین مواد و محتوا، مدیریت و برنامه ریزی و رفتار معلم و دانش آموز باید هماهنگ و سازگار با فطرت و نوع آفرینش انسان باشند

- ماهیت انسان

- بر اساس نظریه فطرت، انسان دارای استعدادها و اصالت های انسانی است (افزون برخواسته هو گرایش های حیوانی) که به صورت بالقوه وجود دارند و باید پرورش یابند.



- مفهوم تربیت

- بر اساس نظریه فطرت ، تربیت به معنای پرورش دادن استعدادهاست. و نه ساختن و از نو بنیاد نهادن چیزی در عرصه وجود انسان.

## • هدف از تربیت

- بر اساس نظریه فطرت، هدف از تربیت شکوفایی و به برنشانیدن ارزش های انسانی و متعالی است در وجود او.
- چه این که انسان در پرتو ایمان و تحت تأثیر عوامل صحیح آموزشی و پرورشی انسانیت خویش را که بالقوه و بالفعله دارد، باز می یابد.

## • نقش مربیان

• شناخت و پرورش استعدادهاست، مربی باید استعدادهای موضوع تربیت را بشناسد، در جهت استعدادهای او کار کند و او را رشد بدهد، مثل یک گلکار است؛ یک گلکار نمی تواند گل شمعدانی یا گل یاس را عوض کند، از شمعدانی یاس بسازد و از یاس، شمعدانی، بلکه کوشش می کند با تجربیات خود طبیعت آن گل را بشناسد که این را از چه راه وارد بشویم بهتر می توانیم شکوفا کنیم.

• اما از زاویه دید منکران فطرت، نقش مربیان، صنعتگری است؛ صنعتگر همیشه فکر خودش را بر موضوع صنعتش تحمیل می کند، به گونه ای که اگر کار صنعتگر نباشد هرگز موضوع خود به خودی به سوی (شدن) و درآمدن به صورت آن مصنوع به پیش نمی رود.



سورة الاحقاف

سبک زندگی

اسلامی

## • سرفصل های دوره دانش افزایی سبک زندگی و مهارت ها

- جلسه اول : کلیات بیان کلیات تربیت و سبک زندگی اسلامی و مناسبات فیما بین
- جلسه دوم. آسیب شناسی سبک زندگی
- نگرشی [?] ارزشی [?] رفتاری [?]

• جلسه سوم: بررسی راههای رفع و کاهش آسیب از نگاه استادان

• جلسه چهارم: مهارتها

- تعریف [?] اهمیت [?] گروه بندی [?] الف) مهارتهای بین فردی و ارتباطی ب) مهارتهای مرتبط با تفکر نقاد یا تصمیم گیری ج) مهارتهای مقابلهای و مدیریت فردی
- جلسه پنجم. ارتباط مؤثر بر مبنای نقش تربیتی استادان در سه

• عرصه فردی، خانوادگی و سازمانی

(تعلیم و تربیت)؛ و با عنایت به سطح بندی سه گانه دوره های دانش افزایی و با 1) که مهارتهای بین فردی ارتباطی است برای دوره اول انتخاب 4002 رعایت اولویت، گروه دوم از مهارتها بر اساس تقسیم بندی سازمان بهداشت جهانی ( «کتاب راهنمای مدرس» گردید.

• جلسه ششم. ایجاد و حفظ روابط بین فردی

• جلسه هفتم: مهارت رفتار جراتمندانه

• جلسه هشتم: مهارت حل مسئله

# • سبک

- شیوه و روش
- گداختن چیزی را پس از ریختن
- نقره را گداخت و در قالب ریخت
- سخن را اصلاح و نیکو کرد



# • سبک زندگی

- روش زندگی فرد، گروه یا فرهنگ
- شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده باورها، گرایش ها و ارزش های فرد یا گروه باشد.
- ساختار کلی است و در تمامی محدوده های مختلف زندگی می تواند کاربرد داشته باشد.
- این مفهوم بیشتر برای بیان روش زندگی مردم و منعکس کننده طیف کاملی از ارزش ها، عقاید و فعالیت های اجتماعی است.

- مجموعه ای از طرز تلقی ها، ارزش ها، شیوه های رفتار، حالت ها و سلیقه ها را تشکیل می دهد.
- سبک زندگی معنایی است که به روش خاصی از زندگی یک فرد یا جامعه می پردازد و اثر پذیر از جهان بینی و ارزش های حاکم بر آن فرد و جامعه است

قدسی

ایمانی

انسانی

حیوانی

نباتی

جمادی

مراتب زندگی

## تعریف هویت

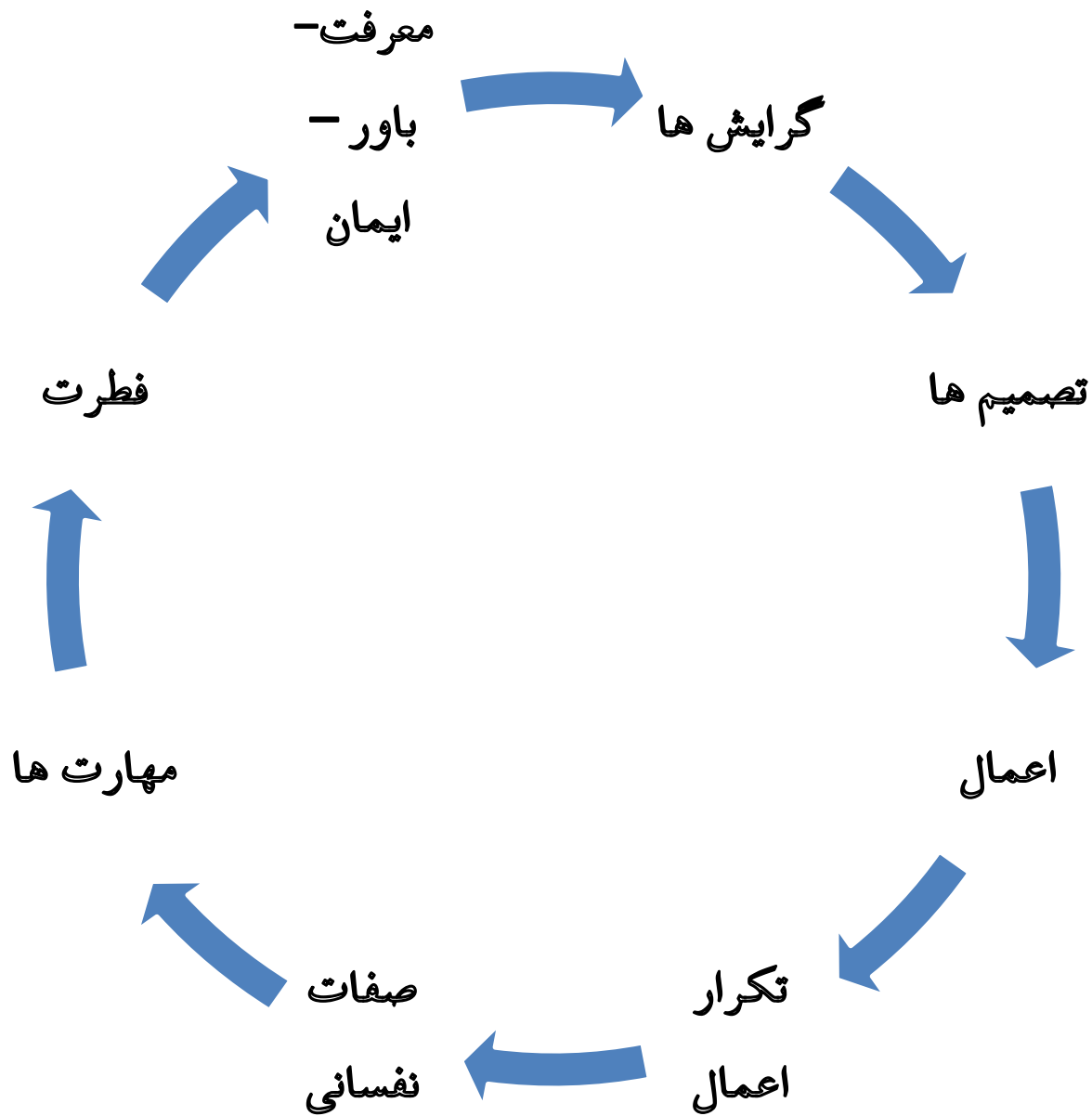
هویت به طور کلی برآیند مجموعه ای از بینش ها ، باورها ، گرایش ها ،

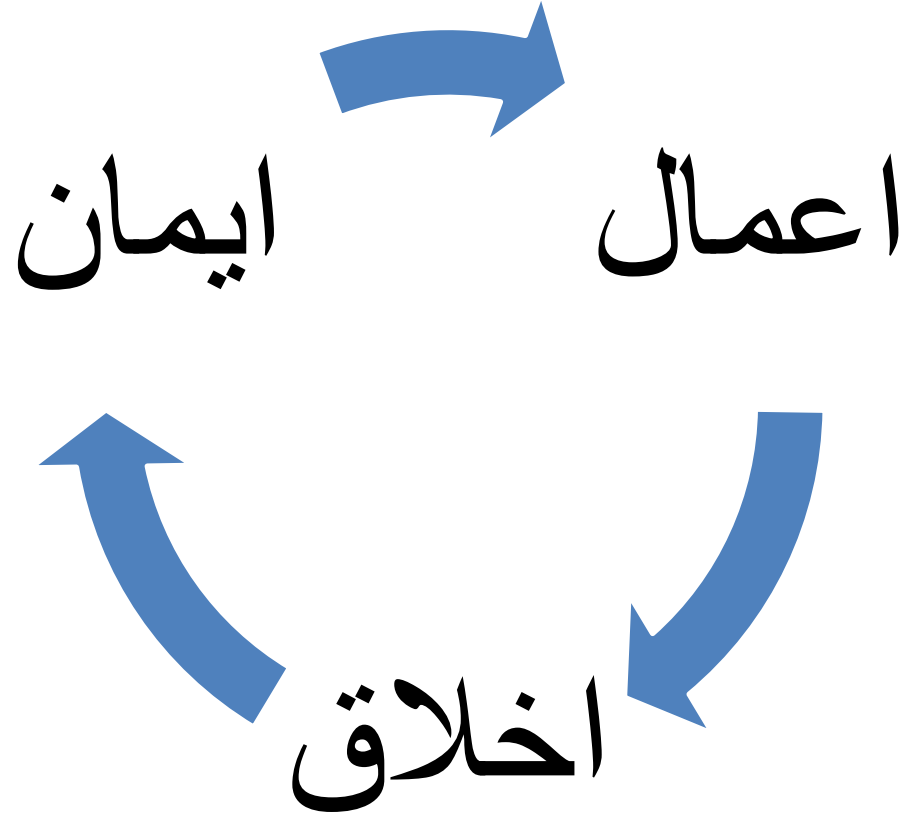
تصمیمات ، اعمال مداوم(فردی و جمعی)و در نتیجه محصول اکتساب برخی

صفات و توانمندی ها ، توسط خود آدمی است.

## ارتباط تعاملی عناصر هویت

انسان با تکیه بر **فطرت** و استعداد های طبیعی خود و با استفاده از نیروی **عقل** ، **اختیار** و **اراده** خویش به **معرفت** (درک درست موقعیت خود و دیگران ) دست می یابد معرفت ایجاد شده می تواند زمینه **باور** و **ایمان** (به حقایق و واقعیات هستی) و **میل** و **گرایش** (نسبت به برخی امور و اعمال) را در او فراهم سازد. این بینش ، باور و گرایش درونی زمینه تکوین اراده (**تصمیم** معطوف به عمل اختیاری) را در وی فراهم می آورد و با **اعمال** فردی و جمعی (مبتنی بر این مبادی) و **تکرار** آن ها ، به تدریج **صفات** و **توانمندی های** خاصی را متناسب با این امور کسب نموده و در نتیجه **هویت** آدمی در لایه ها و ابعاد گوناگون فردی و جمعی شکل می گیرد.





# • اعمال

- در ارتباط با خداوند متعال
- در ارتباط با خود
- در ارتباط با دیگران و جامعه
- در ارتباط با طبیعت
- در ارتباط با دنیا
- در ارتباط با آخرت
- و...



# اعمال در ارتباط با جامعه

الف) مدیریت و رهبری

ب) دولت و سیاست

ج) فرهنگ و تربیت

د) اقتصاد و معیشت

ه) و...

• امتیاز های مدیران

• در سیره رسول گرامی اسلام (ص)

• در دوران خلفای راشدین

• در حکومت حضرت امیر المؤمنین (ع)

• در دوران پس از حضرت



# مبانی سبک زندگی

الف) مبانی هستی شناسی

ب) مبانی انسان شناسی

ج) مبانی معرفت شناسی

د) مبانی ارزش شناسی

ه) مبانی جامعه شناسی

• عوامل تکوین و تعالی هویت

• ژنتیکی

• محیطی : تعلیم و تربیت و.....

• هویت قبلی :شناخت ها ، صفات ، اعمال

- ابعاد هویت
- فردی
- جمعی: هویت انسانی / هویت دینی / هویت ملی / هویت قومی / هویت خانوادگی / هویت جنسی / هویت حرفه ای